یادداشت روز

به قله‌ها نزدیک شده‌ایم؛ یک تصویر چند بعدی

«به قلّه‌ها نزدیک شده‌ایم، نباید خسته بشویم». فهم هر کدام ما از این بیان رهبر انقلاب چیست؟ چه دریافتی از «قله‌ها» و میزان دوری و نزدیکی به آنها داریم؟ و برای پویش ملی در این مسیر، کدام نقش را ایفا می‌کنیم؟

۱) شاید کسانی در نگاه اول، انبوه مشکلات و چالش‌ها را ببینند و بنابراین، نزدیک شدن به قله‌ها را دور از تصور بشمارند. در مسیر صعود به قله‌ها (آرمان‌ها/ مطلوب‌ها) نباید توقع حرکت در یک بزرگراهِ هموار و خلوت را داشت. به تعبیر رهبر انقلاب در تاریخ ۱۱ مردادِ ۱۳۹۵: «هیچ جادّه آسفالته‌ای در مقابل هیچ ملّتی نیست؛ باید راه را با همّت خودشان هموار کنند. ملّت‌هایی که به اوج معنویّت و مدنیّت و رفاه و سعادت رسیدند، این جوری حرکت کردند». ایشان همچنین، ۲۵ فروردین ۱۳۷۸ در دیدار فرماندهان ارتش، با انتقاد از سهل‌اندیشی فرموده بودند: «هر حقیقتی دشمنانی دارد. آن کسی که انتظار دارد در جاده آسفالته زندگی، بدون هیچ دست‌انداز و بدون هیچ معارض و خطر حرکت کند، انسان ساده‌لوحی است که بالاخره هم با سر خواهد غلتید و از پا درخواهد آمد. جاده زندگی، جاده پُر پیچ و خمی است. با هر قدم نزدیک‌تر شدن به اهداف والا، مشکلات و خطرهای تازه؛ بعضی بزرگ‌تر از مشکلات قبل وجود دارد. لذا راه زندگی، راه بی‌درد سری نیست؛ توقّع بی‌درد سری نباید داشت... کسی که در میدان جنگ دچار هزیمت می‌شود، قبلا در درون خود دچار هزیمت شده است. اگر در درون خود دچار هزیمت نشویم، در بیرون هیچ دشمنی نمی‌تواند ما را منهزم کند».

۲) هیچ ملتی از مسیر بزرگراهیِ بی‌زحمت، به پیشرفت نائل نشده است. ملت‌هایی که به برخی از ابعاد پیشرفت رسیده‌اند، دهه‌ها سختی و زحمت کشیده‌اند تا مسیر را هموار کنند؛ هر چند که در کشورهای مصطلح پیشرفته هم، چالش و بعضا بحران‌های بزرگ، کم نیست. حتی کشورهایی که با جنگ و اشغالگری و غارت دیگران سعی کردند به قله‌های ثروت و سرمایه در دنیا برسند، ده‌ها سال گرفتار چالش‌ها و تبعات آن بوده‌اند. مانند آمریکا و شوروی و آلمان و ژاپن. در تعریف «قله‌ها/ آرمان‌ها» ممکن است تفاوت فهم و نگاه‌های «حداقلی/ حداکثری» وجود داشته باشد. به عنوان مثال، آیا پیشرفت، صرفا با «توسعه (Development)» معنا می‌شود، یا معانی فراتری دارد؟ زمانی تئوریسین‌های ناتوی فرهنگی مثل والت ویتمن روستو، مراحل رشد و توسعه را چنان ترسیم می‌کردند که نهایتا در قله، به مدل «کاپیتالیستی/ لیبرالیستی/ دموکراتیک» برسد. اما آیا واقعا قله، جایی است که اکنون آمریکا ایستاده است؟ آمریکا همین حالا به عنوان تنها ابرقدرت مصطلح، با بالاترین میزان بدهی در دنیا (۳۲ هزار میلیارد دلار)، گرسنگی ۵۰ میلیون شهروند نیازمند کوپن غذایی، بالاترین میزان جنایت و خشونت مسلحانه میان شهروندان، حجم بالای بزهکاری و زندانیان، و مشکلاتی از این نوع، دست به‌گریبان است.

۳) آمریکای فرسوده ، تعبیری است که تدریجا جای رؤیای «قرن آمریکایی» را می‌گیرد. برای درک این فرسودگی، کافی است ناتوانی در مهار بحران‌های طبیعی را دید که فقط در یک مورد، موجب مرگ ۱۱۶ نفر و مفقود شدن ۸۵۰ نفر در آتش‌سوزی شهر «مائویی» واقع در هاوایی شد. نانسی پلوسی، رئیس‌وقت مجلس نمایندگان آمریکا تابستان دو سال قبل هشدار داده بود: «زیرساخت‌ها، جاده‌ها، پل‌ها و شبکه آب ما رو به زوال است. شبکه برق ما در برابر قطعی‌ها، آسیب‌پذیر است». همان زمان جو بایدن در ویسکانسین گفت: «از هر ۵ مایل بزرگراه و جاده در آمریکا، یک مایل آن در وضع بد قرار دارد. وضع برخی از ایالت‌ها به مراتب بدتر است. از ساخت ۵۰ درصد پل های ما بیش از ۵۰ سال گذشته است». پیش از او هم، ترامپ به ABC NEWS گفته بود: «ایالات متحده در حال فروپاشیدن است. ما هزینه ساخت یک مدرسه در بروکلین یا لس‌آنجلس را نداریم. شیکاگو مانند افغانستان شده، هر چند روز یک بار شماری از مردم هدف گلوله قرار می‌گیرند. می‌خواهم مطمئن شوم در دوره من هیچ‌کس در خیابان‌های ما به خاطر بیمه و فقر نخواهد مرد. پل‌های ما ویران شده. جاده‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و فرودگاه‌های ما مکان‌های از رده خارج هستند».

۴) ما نمی‌خواهیم در نهایت توسعه و پیشرفت، تبدیل به آمریکای فرسوده یا کشورهای مشابه آن شویم. تمدن مطلوب ما جایی است که آن، نه کسی نسبت به «دیگر شهروندان/ دیگر ملت‌ها»، ظلم و تعدی کند و نه ستم دیگران را بپذیرد. آرمانشهر ما، جمع‌آوری و انباشت ثروت‌ها و در عین حال، مانور نابرابری و تجمل - چنان‌که در زندگی مدرن ماتریالیستی در نوع کشورهای به اصطلاح پیشرفته دیده می‌شود- نیست. آرمانشهر ما کار و زحمت و تلاش برای همه، و پیشرفت و برخورداری برای همه است. و در کنار این تمهید عدالت، باید به چنان رشدی از فضائل رسید که از زیست صرفا حیوانی فراتر رود و به مراتب عالی انسانیت صعود کند.

۵) فهم افراد در جوامع بشری، از نهایت صعود به قله‌ها و همچنین میزان همت‌شان متفاوت است. بعضی‌ها در مسیر صعود به قله‌ها، همان ایستگاه اول و دوم صعود -اولین تپه‌ها- را مقصد می‌پندارند؛ یا در اثر خستگی و بی‌حوصلگی متوقف می‌شوند. و حال آن که فتح قله‌ها، غیر از رسیدن به تپه‌ها است. در عین حال، فارغ از این که کدام موقعیت‌ها را تپه (ایستگاه/ منزل) و کدام را قله بدانیم، در این که پیشرفت‌های اقتصادی و قدرتمندی نظامی و نفوذ منطقه‌ای را موفقیت در صعود بدانیم اتفاق نظر وجود دارد. بنابراین، مهم است که عنایت کنیم چه کسانی رنج و زحمت به جان می‌خرند و هزینه می‌دهند تا منابع قدرت ملی و پیشرفت فراهم شود؛ و چه کسانی، در مسیر استهلاک یا واگذاری منابع اقتدار به دشمنان قدم برمی‌دارند.

۶) مسئله دشمنان فقط این نیست که مثلا نرخ رشد علمی ایران در برخی سال‌ها، به ۱۱ برابرِ میانگین نرخ جهانی رسیده است. حتی فقط این هم نیست که ایران پنجمین کشور دنیا در حوزه نانو، یازدهمین کشور در پرتاب ماهواره، جزو ۱۳ کشور دارنده چرخه کامل سوخت هسته‌ای، جزو پنج کشور اول حوزه سلول‌های بنیادین، پنجمین کشور دارای فناوری‌های پیشرفته موشکی و پهپادی، و رتبه نخست هوافضا در غرب آسیا است. اینها همه فرع بر یک رویداد مهم‌تر است و آن این که ملت ایران توانسته، اعتماد به نفس و اراده مستقل پیداکند و از استیلای روانی قدرت‌ها خارج شود. این، همان رویداد مهمی است که «تامیر هیمن، مدیر موسسه تحقیقات امنیت ملی اسرائیل» درباره‌اش گفت: «امروز هیچ چیزی جز اراده خود ایرانی‌ها نمی‌تواند آنها را محدود کند. آنها بدون سلاح هسته‌ای به بازدارندگی رسیده‌اند و این یعنی همان وضعیت عالی از نگاه رهبر ایران در برابر غرب». اظهارات هیمن، ادامه سخنان «هرتسل‌هالوی» (فرمانده رکن اطلاعات در ستاد کل ارتش اسرائیل) است که آبان ماه ۱۳۹۴ خطاب به مدیران مجموعه خود گفت: «از ابتدای انقلاب ۱۹۷۹، ما ۳ برابر رشد علمی داشته‌ایم، اما رشد ایران ۲۰ برابر شده. آنها به برتری فنی نزدیک می‌شوند. جنگ واقعی در آینده نیست؛ همین حالا جریان دارد. برداشته شدن فاصله ۳۰ سال پیش، برای ما بسیار پرهزینه خواهد بود. جنگ امروز، جنگ ذهن‌هاست و تبلیغات طرف مقابل می‌تواند روحیه اسرائیلی‌ها را درهم‌بشکند».

۷) بی‌تردید، نمی‌توان حساب جریان فراگیری را که برای تولید منابع قدرت ملی، شب و روز نمی‌شناسد و حتی از جان عزیز هزینه می‌کند، با جریانی که ادبیات دشمن را در بی‌ارزش شمردن منابع اقتدار تکرار می‌کند، یکی پنداشت. مهم است که دقت کنیم چه کسانی، به مانع‌زدایی در مسیر پیشرفت کمک می‌کنند و چه کسانی در کنار جریان خارجی معارضه و مزاحمت، نقش می‌آفرینند؟ جان گذاشتن بر سر پیشرفت برنامه هسته‌ای و استفاده از مزایای آن در تولید انرژی، اصلاح ژنتیک، صنعت و کشاورزی، محیط زیست، پزشکی، تولید دارو، و شیرین‌سازی آب کجا؛ و بی‌مقدارنمایی و تعطیلی این سرمایه راهبردی کجا؟ تولید قدرت بازدارنده نظامی و امنیتی و دیپلماتیک کجا؛ و تهدید وانمود کردن این اقتدار برای توسعه اقتصادی کجا؟! گسترش نفوذ منطقه‌ای و عمق راهبردی کشور به عنوان تکیه‌گاه سیاست خارجی کجا؛ و اقتدار میدان را مزاحم دیپلماسی پنداشتن کجا؟ به جان خریدن زحمات برای خودکفایی در تولیدات راهبردی مانند گندم و بنزین و برق کجا؛ و خودکفایی در تولید گندم را مسخره خواندن، پالایشگاه‌سازی را کثافت‌کاری نامیدن، نیروگاه‌سازی را زیر سؤال بردن، و تبعیت از دیکته‌های غرب کجا؟

۸) امروز کسانی در برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای پیشرفت‌های بزرگ در مسیر صعود به قله‌ها را تمسخر یا کتمان می‌کنند که در پویش ملی پیشرفت هم نه تنها سنگی از سر راه بر نداشته و همراهی نکرده‌اند، بلکه در موقعیت کارشکنی ایستاده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۱

رایزنی امیرعبداللهیان با همتایان قطری و عمانی

وزیر امور خارجه در رایزنی تلفنی با همتای قطری از نقش سازنده این کشور در کمک به آزادسازی اموال مسدود شده ایران در کره جنوبی قدردانی کرد.

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران شنبه چهارم شهریورماه با نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر هم تلفنی به رایزنی پرداخت.

رئیس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگوی تلفنی با «شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی» نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر، درباره موضوعات مورد علاقه دو کشور به بحث و رایزنی پرداخت.

امیرعبداللهیان روابط دوستانه و نزدیک جمهوری اسلامی ایران و دولت قطر را مورد اشاره قرار داد و بر گسترش مناسبات دوجانبه تأکید کرد.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین عصر روز شنبه چهارم شهریور ماه با «بدر البوسعیدی» همتای عمانی تلفنی گفت‌وگو کرد. موضوعات دوجانبه و همچنین روند گفت‌وگوهای رفع تحریم‌ها از جمله موارد مورد رایزنی در این تماس تلفنی بود.

رئیس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران همچنین در گفت‌وگوی تلفنی روز شنبه با همتای قطری از نقش مثبت دولت قطر و تلاش‌های سازنده مقامات عالی‌رتبه این کشور در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین نقش سازنده این کشور در کمک به آزادسازی اموال مسدود شده ایران تقدیر کرد.

گفت‌وگوی تلفنی امیرعبداللهیان با وزرای خارجه قطر و عمان پس از تحولات اخیر و توافق ایران و آمریکا برای تبادل زندانیان و آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی صورت می‌گیرد.

علی باقری معاون سیاسی وزیر امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی ایران (پنج‌شنبه) ۱۹ مرداد ماه از آغاز فرآیند آزادسازی چند میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در کره جنوبی خبر داد و گفت: ایران تضمین لازم برای پایبندی آمریکا به تعهدات خود را دریافت کرده است. وی همچنین افزود: آزادی چند ایرانی که به‌طور غیرقانونی در آمریکا بازداشت شده بودند در این چارچوب است.

آخرین تحولات منطقه هم از دیگر موضوعات مورد گفت‌وگوی امیرعبداللهیان با وزیر خارجه قطر در این تماس تلفنی بود.

تأکید وزیر خارجه قطر بر تداوم رایزنی‌ها با ایران

شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر نیز ضمن ابراز خرسندی از روابط دوستانه ایران و دولت قطر، از پیشرفت مناسبات تمجید کرد و تداوم رایزنی‌های نزدیک طرفین را مورد تأکید قرار داد.

رایزنی تلفنی امیرعبداللهیان و وزیر خارجه عمان درباره مذاکرات رفع تحریم‌ها

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران عصر شنبه چهارم شهریورماه تلفنی با همتای عمانی گفت‌وگو کرد.

امیرعبداللهیان در گفت‌وگوی تلفنی با «بدر البوسعیدی» وزیر امور خارجه عمان درباره موضوعات مورد اهتمام مشترک در عرصه دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی بحث و تبادل نظر کرد.

وزیر امور خارجه ایران در این گفت‌وگو بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای نهایی کردن مفاد سند راهبردی همکاری‌های جامع دو کشور تأکید کرد.

وزرای خارجه دو کشور ۱۷ مرداد ماه سال جاری نیز تلفنی با یکدیگر گفت‌وگو کرده بودند. قبل از آن هم علی باقری معاون سیاسی وزیر امور خارجه سفری به مسقط داشت و اواخر تیر ماه نیز وزیر خارجه عمان به تهران سفر کرد.

۲ روز بعد از گفت‌وگوی تلفنی وزرای خارجه یعنی در ۱۹ مردادماه اخباری منتشر شد درباره تبادل زندانیان بین ایران و آمریکا و آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی.

امیرعبداللهیان همچنین در گفت‌وگوی تلفنی عصر امروز ضمن قدردانی از تلاش سازنده هیثم بن طارق سلطان عمان، مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در خصوص روند مذاکرات رفع تحریم‌ها را تبیین کرد.

بدر البوسعیدی وزیر امور خارجه سلطنت عمان نیز در این گفت‌وگوی تلفنی بر آمادگی کشورش برای گسترش روابط دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد.

وزیر امور خارجه عمان همچنین آمادگی کشورش برای تداوم ایفای نقش سازنده در موضوعات مورد اهتمام مشترک را مورد تأکید قرار داد.

این گفت‌وگوی تلفنی پس از توافق اخیر ایران و آمریکا درباره تبادل زندانیان و آزادسازی منابع مالی مسدود شده ایران در کره جنوبی صورت گرفته است. علی باقری معاون سیاسی وزیر امور خارجه و مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی ایران (پنج‌شنبه) ۱۹ مردادماه در این باره با اعلام آغاز فرآیند آزادسازی چند میلیارد دلار از دارایی‌های ایران، گفت: ایران تضمین لازم برای پایبندی آمریکا به تعهدات خود را دریافت کرده است. وی افزود: آزادی چند ایرانی که به‌طور غیرقانونی در آمریکا بازداشت شده بودند در این چارچوب است.

به گزارش فارس، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هم ۳۰ مردادماه در نشست هفتگی با خبرنگاران درباره روند مبادله زندانیان بین ایران و آمریکا گفت: بازه زمانی مشخص در این ارتباط از سوی مقامات ذی‌ربط ایران اعلام شده بود. حداکثر بازه زمانی برای این کار حدودا تا سقف دو ماه بود و توافق بین دو طرف شکل گرفت و روند اجرایی در مسیر توافق در حال پیشرفت است.

خبر ویژه

راز مقاومت ذی‌نفعان در مقابل شکستن انحصار وکالت

با شفاف و الکترونیکی شدن شرایط صدور، تمدید و انتقال پروانه وکالت، امکان سوءاستفاده در این فرآیند حذف می‌شود. همین امر موجب سر و صدای ذی‌نفعان طرفدار انحصار شده است.

روزنامه همشهری به قلم سیدامیر سیاح، رئیس‌مرکز ملی بهبود محیط کسب‌وکار نوشت: مبارزه با انحصار وکالت به مراحل حساسی رسیده است. برخلاف آنچه تبلیغ می‌کنند، قرار نیست با مصوبه مجلس، صدور یا تعلیق پروانه وکالت به زیرمجموعه وزارت اقتصاد وارد شود، بلکه قرار است شرایط و هزینه صدور و انتقال پروانه وکالت هم مانند ۴۱۵۰ مجوز دیگر، شفاف و الکترونیکی شود.

با شفاف و الکترونیکی شدن شرایط صدور، تمدید و انتقال پروانه وکالت، امکان سوءاستفاده در این فرآیند حذف می‌شود. ما با تشکل وکلا مشکلی نداریم و به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم تضعیف شود. مشکل ما با انحصار و بسته بودن درهای ورود به بازار کار روی متقاضیان جدید وکالت و مشاوره حقوقی است.

علاوه‌بر این، درباره کسب‌وکارهای وکالت و مشاوره حقوقی، یک مشکل خاص هم داریم: این‌که در ایران، فعالان اقتصادی از دسترسی راحت و ارزان به خدمات حقوقی محرومند، چرا که مشاور حقوقی، برای شرکت‌ها، تجار، تولیدی‌ها و... کم و بسیار گران است.

وقتی فعال اقتصادی نمی‌تواند مشاوره خوبی بگیرد، معمولا قرارداد خوبی هم نمی‌بندد. فعالیت اقتصادی براساس قرارداد بنا می‌شود؛ قرارداد با کارگر، قرارداد با مشتری، قرارداد با همکار، قرارداد با تأمین‌کننده مواد اولیه، قرارداد با شریک، قرارداد با سرمایه‌گذار مالی و... اگر این قراردادها خوب و دقیق، تنظیم شوند، فعالیت اقتصادی اعم از تولید و تجارت، روان خواهد شد؛ در غیر این صورت تولیدکننده به چرخه‌ای بی‌انتها از شکایت و دردسر خواهد افتاد.

لازمه تنظیم قرارداد خوب، دانش حقوقی یا مشورت با مشاوران حقوقی است؛ خدمتی که فعالان اقتصادی ایرانی، دسترسی بسیار محدودی به آن دارند چرا که مشاوره حقوقی برای کارهای تجاری بسیار بسیار گران است و درنتیجه، بسیاری از فعالان اقتصادی نمی‌توانند از این خدمت بهره‌مند شوند و قراردادهای خود را بدون مشورت حقوقی منعقد می‌کنند.

وقتی قراردادی بدون مشورت با حقوق‌دانان بسته می‌شوند، احتمال این‌که با طرف مقابل به مشکل بخورد، بالا می‌رود. وقتی قرارداد به مشکل می‌خورد، هزینه فعالیت اقتصادی به اصطلاح اقتصادی «هزینه مبادله» (Transaction Cost) بالا می‌رود و در نتیجه فعال اقتصادی ناچار است ریسک به‌اشکال خوردن قرارداد را به مبلغ قرارداد اضافه کند.

اصلی‌ترین دلیل اصرار ما برای باز و گسترده شدن «بازار خدمات حقوقی» همین نکته است چرا که بالا ماندن هزینه مبادله در کل اقتصاد، باعث کم شدن مبادلات و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. کاهش رشد اقتصادی بدترین خبر برای یک اقتصاد است چرا که بیکاری و تورم ریشه در کاهش رشد اقتصادی دارند.

وقتی ما اصرار داریم حقوق‌دانان بیشتری وارد بازار کار شوند، به این دلیل است که می‌خواهیم همه فعالان اقتصادی به حقوقدان دسترسی راحت و ارزان داشته باشند، بتوانند قراردادهای بهتری ببندند و قراردادهایشان کمتر به مشکل بخورد، اگر هم به مشکل خورد، راحت‌تر حل‌وفصل شود و کار به دادگاه نکشد. اگر کار به دادگاه هم کشید، آنجا هم راحت‌تر حل‌وفصل شود.

شاید تصور شود با باز شدن در بازارها به روی متقاضیان وکالت و مشاوره حقوقی، افراد کم‌سواد وارد این بازار می‌شوند و خدمت حقوقی ارائه می‌کنند. بله. این امکان وجود دارد، اما با شفافیت در این بازار (مثلا با اعمال سیستم امتیازدهی شفاف مشورت گیرندگان به عملکرد هر مشاور حقوقی)، مشاوران حقوقی کم‌سواد و ناکارآمد، عملا از بازار حذف خواهند شد.

میلیون‌ها تولیدی، تاجر، شرکت و مغازه‌دار ایرانی، مشتری بالفعل، دست به نقد و تشنه خدمات حقوقی هستند. گسترش بازار خدمات حقوقی، بازی برد برد میان فعالان اقتصادی و وکلای شریفی است که می‌خواهند در فضای رقابتی خدمت ارائه دهند. این هدفی است که دنبال آن هستیم: بازار خدمات حقوقی بسیار گسترده و شفاف؛ چشم‌اندازی که برای رشد اقتصادی، ناچاریم به سویش برویم.

ظریف سانسور شد، چون گفت عضویت در بریکس خبر خوبی است

محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه کشورمان درباره عضویت ایران در بریکس تاکید کرده: «به نظر بنده دعوت از ایران برای عضویت در بریکس خبر خوبی است. سیاست خارجی نباید موضوع اختلافات داخلی باشد».

به گزارش وطن امروز، عضویت ایران در بریکس، از یک سو معلول جایگاه انحصاری و رو به رشد این مجموعه اقتصادی- امنیتی و از سوی دیگر، مرهون تلاش‌های اساسی و عمیقی بوده که در ذیل استراتژی تکثیر زمین‌های بازی از سوی دولت سیزدهم انجام گرفته و اکنون بخوبی در حال مدیریت است. در این‌جا واکنش رسانه‌های اصلاح‌طلب نسبت به سخنان آقای ظریف قابل تامل بود. اکثر رسانه‌های اصلاح‌طلب مانند انتخاب، خبرآنلاین و شرق اساسا این خبر را سانسور کردند یا آن را به عنوان گفتاری فاقد اهمیت از فردی عادی وانمود کردند. در این‌جا کافی بود وزیر سابق امور خارجه مانند گذشته سخن از تاثیر سلبی قدرت میدانی ایران در عرصه دیپلماسی یا لزوم احیای برجام به عنوان تنها نسخه شفابخش اقتصاد کشور به میان می‌آورد تا سخنان وی به تیتر یک این رسانه‌های طرفدار منافع ملی(!) تبدیل شود.

چنین نگاهی مرهون چینش چه عواملی در کنار یکدیگر است؟ در این‌جا باید بر پیش‌فرض‌ها و ثوابت ذهنی تطهیرکنندگان ساختار «لیبرال- دموکراسی غرب» متمرکز شویم. واقعیت امر این است که طی سال‌های اخیر، شاهد تقابل ۲ گفتمان با یکدیگر در عرصه سیاست خارجی کشور هستیم که یکی از آنها، محوریت واشنگتن و تروییکای اروپا در نظام بین‌الملل را یک فرض ثابت، غیرقابل تغییر و غیرقابل جایگزین تلقی می‌کند. برجام محصول همین نگاه و گفتمان بود. اینکه ایران باید بر مبنای نگاه رئالیستی نسبت به آنچه در حوزه روابط بین‌الملل می‌گذرد، صرفا بر نقش‌آفرینی دولت‌های قدرتمند (آن هم فقط دولت‌های قدرتمند غرب) حساب کرده و از ورود به هر مجرا و چارچوبی که نظم لیبرالیستی مدنظر غرب را به چالش می‌کشد، پرهیز کند. در چنین نگاهی، بریکس به صورت ذاتی مصداق خسارت بوده و برجام مصداق عقلانیت است!

اما در نگاه جاری در حوزه سیاست خارجی کشورمان، شاهد پیشبرد نوعی استراتژی تحت عنوان تکثیر زمین‌های بازی هستیم. تکثیر زمین‌های بازی، متناظر با ثوابت دیگری مانند قدرت تغییر قواعد بازی و برهم زدن نظم نفرت‌انگیز نظام سرمایه‌داری تعریف می‌شود. در این‌جا، نه تنها پذیرش نظم مورد ادعای غرب- که آن نیز عین بی‌نظمی و آنارشیسم است- خط قرمز سیاست خارجی کشور محسوب می‌شود، بلکه ایران اسلامی به عنوان یک مولد و تسریع‌کننده، تعریف و چینش ساختارهای عملیاتی جایگزین را در دستورکار قرار می‌دهد و قطعا بازگشتی از این مسیر وجود نخواهد داشت.

در چنین شرایطی غرب و متعلقات آن- اعم از دولت‌های غربی تا طرفداران پر و پا قرص آمریکا و اتحادیه اروپایی در کشورهای گوناگون دنیا- در برابر هرگونه تغییری که ثوابت مدنظر بازیگران سلطه‌گر غرب را در نظام بین‌الملل به چالش بکشد مقاومت می‌کنند. این قاعده درباره اصلاح‌طلبان و مروجان مکتب لیبرالیسم و نولیبرالیسم در ایران نیز صادق است. بریکس کابوس کسانی محسوب می‌شود که بر سلطه بلندمدت و ابطال‌ناپذیر غرب بر جوامع بشری در حال و آینده حساب باز کرده‌اند و اکنون، با تزلزل برخی بنیان‌های قدرت غرب در نظم نوین جهانی مواجهند. در این‌جا مهم نیست چه کسی از بریکس و ظرفیت بازی آن تمجید می‌کند! هرکس چنین اقدامی صورت دهد با بدترین سانسورها و حتی در برخی محافل خصوصی اصلاح‌طلبان با بدترین دشنام‌ها مواجه می‌شود، حتی اگر این فرد محمدجواد ظریف، وزیر محبوب اصلاح‌طلبان و کارگزاران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم باشد!

روایت جعلی و الگوسازی از کشور رکورددار خشونت و خودکشی

یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، تصویری متفاوت از آنچه که آقای سریع‌القلم از کره جنوبی ترسیم می‌کند را نشان می‌دهد.

محمد کاظم انبارلویی در روزنامه رسالت نوشت: دکترمحمود سریع‌القلم، استادتمام گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی و دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه کالیفرنیا، مطلبی تحت عنوان «۳۰ویژگی که کشوری را به سمت کره جنوبی شدن می‌برد» در خبرآنلاین نوشته که جالب و حیرت‌انگیز است! به فهرست ویژگی‌های کشور کره جنوبی به روایت وی دقت کنید:

«۱- صد درصد مردم می‌دانند برای رشد باید رقابت کنند.
۲- صد درصد مردم فقط یک شغل دارند.
۳- صددرصد مردم برای اعتبار و منزلت جهانی کشور، اهمیت ویژه قائل هستند.
۴- ۹۰ درصد مردم آن راستگو باشند.
۵- ۹۰درصد مردم، یک شخصیت داشته باشند.
۶- ۹۰ درصد مردم شفافیت فکری و رفتاری داشته باشند.
۷- ۹۰ درصد مردم خوش‌قول باشند.
۸- ۹۰درصد مردم، یک جهان‌بینی دارند.
۹- ۹۰درصد مردم مرتب کتاب می‌خوانند.
۱۰- ریشه استقلال سیاسی را در تولید ثروت بداند.
۱۱- ...
۳۰- عامه مردم حس مثبتی نسبت به کشور و آینده آن داشته باشند».

آقای سریع‌القلم هیچ اصراری ندارند، از مدینه فاضله‌ای که در کره جنوبی به دلیل حکمرانی در سئول می‌بینند، برای این ۹۰درصدها و آن ۱۰۰درصدی‌هایی که گفته، سند و مدرکی ارائه دهد!!

نویسنده می‌افزاید: یک جست‌وجوی ساده در گوگل، تصویری متفاوت از آنچه که آقای سریع‌القلم ارائه می‌کند را نشان می‌دهد:

- در سال ۲۰۱۸، کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل، گزارشی منتشر کرده که دولت کره جنوبی ۲۷ میلیارد وون از بودجه ملی را صرف مجازات و پیشگیری از خشونت خانگی و جنسی کرده است.
- اسناد و گزارش‌ها مشهود نشان می‌دهد، کره جنوبی دوازدهمین کشور در جهان در زمینه میزان خودکشی است. خودکشی در این کشور، چهارمین علت مرگ و میر شناخته می‌شود!
- خشونت زناشویی رایج‌ترین شکل خشونت خانوادگی در کره است از هر ۶ زوج در کره جنوبی، یک زوج بیش از یک مورد خشونت فیزیکی از سوی همسرش را تجربه کرده است!
- درحومه ساختمان‌های سر به فلک کشیده و مجلل و گران‌ترین محله سئول یک پیرزن به نام گیم اوک‌یند در محله فقیرنشین گوریونگ به اجبار برای گرم کردن خود زغال چوب می‌سوزاند تا زاغه مخروبه خود را در کنار محله‌ای مسکونی با ۲۰۰۰سکنه گرم کند! محله فقیرنشین گوریونگ، نمادی از نابرابری اقتصادی در کشوری است که نیمی از سالمندان آن در فقر به سر می‌برند. و این بالاترین نرخ فقر بین کشورهای عضو سازمان همکاری (OECD) محسوب می‌شود.

نمی‌دانم با روایت آقای سریع‌القلم چه آن‌جا که می‌گوید؛ صددرصد و چه آن‌جا که می‌گوید ۹۰ درصد مردم کره جنوبی چنین و چنان هستند چه باید کرد؟ او فکر می‌کند، مردم ما در دوره قاجار زندگی می‌کنند و خبری از اوضاع و احوال دنیا ندارند، هر روایتی را می‌شود به خورد مردم داد. او احتمال نمی‌دهد یک نفر با فشار دادن چند دکمه در اینترنت سر از چند و چون روایت او درآورد!

مگر می‌شود مردم کشوری ۹۰درصد راستگو باشند، ۱۰۰درصد شغل داشته باشند، ۹۰درصد خوش‌قول باشند و ۹۰درصد مردم، یک جهان‌بینی داشته باشند و بعد این‌همه خشونت زیرسقف خانه‌ها داشته باشند و رکورددار خودکشی در جهان باشند! مگر ممکن است کشوری که آمریکا در آن‌جا پایگاه نظامی داشته باشد و گاهی اخبار تجاوز آنها به نوامیس کره‌ای منتشر می‌شود، استقلال سیاسی داشته باشد؟ این چه استقلالی است که دولت کره برای معامله و پرداخت بدهی خود با ایران باید از آمریکا اجازه بگیرد؟ فلسفه این‌همه خلاف‌گویی و جعل روایت و تحقیر مردم کشور خود چیست؟

گفت و شنود

زرافه چطوره؟!

گفت: تیتر یک کیهان روز شنبه «عضویت ایران در بریکس، شلیک به تحریم‌های آمریکا» بدجوری مدعیان اصلاحات را عصبانی کرده است!

گفتم: خُب باید هم عصبانی باشند! کلی زحمت کشیده و به رئیس‌جمهور آمریکا نامه نوشته بودند که باید علیه ایران دست به تحریم‌های فلج‌کننده بزند. چقدر زور زده بودند تا توانسته بودند در جریان برجام به جای لغو تحریم‌ها، آنها را دو برابر کنند بنابراین طبیعی است که از شلیک به تحریم‌ها عصبانی باشند!

گفت: یکی از آنها به تیترهای قبلی کیهان اشاره کرده و نوشته است کیهان انصارالله یمن را هم تشویق کرده بود به ریاض و امارات و دوبی حمله کند!

گفتم: دیدید که حمله کرد و ائتلاف ضد یمن را به تسلیم واداشت.

گفت: نوشته است حالا ممکن است همین بریکس ایران را وادار به قبول برجام کند!

گفتم: شما قسم می‌خوردید که بدون برجام و اف‌ای‌تی‌اف، عضویت در شانگهای و بریکس و خرید واکسن و حتی آب خوردن مردم هم ناممکن است! ولی دیدید که دولت رئیسی بدون برجام و اف‌ای‌تی‌اف و با اقتدار و عزت به همه آنها دست پیدا کرد.

گفت: خودمونیم‌ها، این مدعیان اصلاحات بدجوری کفگیرشان به ته دیگ خورده و گیج می‌زنند! خودشان هم نمی‌دانند چه می‌گویند!

گفتم: یارو رفته بود خواستگاری بهش گفتند حرف‌های گُنده گُنده بزن. یارو وسط بحث‌ها یکدفعه گفت؛ شتر! بغل دستی گفت؛ شتر چیه؟ و یارو پرسید کوچیکه؟ و بعد با صدای بلند گفت؛ فیل! نهنگ! اصلاً زرافه چطوره؟!

نکته

در سر هزار فتنه نیرنگ‌های رنگی!

۱- «الیز استفنیک» از اساتید دانشگاه هاروارد بود. او انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا را که به پیروزی جو بایدن منجر شده بود زیر سؤال برده و بدون آن که سندی ارائه کند، ادعای تقلب کرده بود. دانشگاه هاروارد از استفنیک می‌خواهد که استعفا بدهد ولی او از استعفا خودداری می‌کند و بلافاصله از دانشگاه اخراج می‌شود (مقایسه کنید با ادعای تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ ایران از سوی خاتمی و موسوی و سایر فتنه‌گران که با اشاره جرج سوروس صهیونیست و حمایت آشکار آمریکا و اروپا و اسرائیل مملکت را به آشوب کشیدند و با وجود وطن‌فروشی و خیانت آشکار، آب هم در دلشان تکان نخورده است!)

۲- « آدام برومبرگ» استاد دانشگاه هنر هامبورگ بود. او دو سال پیش تنها به علت انتقادی که از رژیم صهیونیستی کرده بود از دانشگاه اخراج شد. نکته درخور توجه این که برومبرگ یک یهودی است و معروف است که یکی از بازماندگان [افسانه] هولوکاست است!

۳- «جوی کارگا» استادیار دانشگاه اوبرلین در اوهایو آمریکا بود. او ۷ سال قبل به علت آن که با ارائه اسنادی، حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را به صهیونیست‌ها نسبت داده بود، از دانشگاه اخراج شد!

۴- « آنتونی‌هال» استاد دانشگاه لث بریج کانادا بود. او با ارائه چند سند، هولوکاست را زیر سؤال برده و آن را غیر واقعی دانسته بود. این استاد دانشگاه لث بریج کانادا نیز تنها به خاطر این اظهارنظر از دانشگاه اخراج شد.

۵- «دیوید میلر» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بریستول انگلیس بود. این استاد دانشگاه را نیز درپی انتقاد به جنایات رژیم صهیونیستی، اخراج کردند!

**۶- «تیم اندرسون» هم استاد دانشگاه سیدنی استرالیا بود که به خاطر مواضع ضداستکباری و ضدصهیونیستی‌اش ۵ سال پیش از این دانشگاه ا